

رابطه دوزبانگی و اختلال‌های گفتار و زبان

لیلا فیاضی بارجینی / کارشناس ارشد زبان شناسی / گفتاردرمانگر آموزشگاه باغچه بان ۱ تهران

چکیده:

عوامل متفاوتی در ایجاد یا تشدید اختلال‌های گفتار و زبان دخیل می‌باشند، دوزبانگی در کنار سایر عوامل می‌تواند چنین اختلالاتی را در افراد ایجاد نماید. دوزبان بودن بدین معنا است که یک فرد یا مجموعه‌ای از افراد در یک جامعه زبانی از بیش از یک زبان در امر ارتباط استفاده می‌کنند. تأثیر دوزبانگی بر گفتار و زبان از جمله ایجاد تأخیر در رشد طبیعی آنها در مطالعات زیادی مورد توجه قرار گرفته است و زمینه ساز ایجاد دوزبانگی (تک زبانه یا دوزبان بودن) گردیده است که در زیر به آن پرداخته می‌شود.

مقدمه:

گروسجین^۱ طبق برآوردی در سال ۱۹۸۲ به این نتیجه رسید که حدود نیمی از جمعیت دنیا دوزبان هستند. رایسب^۲ معتقد است فرد دوزبان به دو زبان، در حدی تسلط دارد که می‌تواند بر حسب ضرورت هر یک از دو زبان را به تناوب و به جای دیگری در عمل به کار گیرد. (مدرسی، ۱۳۸۷)

کودک دوزبان ممکن است از بدو تولد در معرض دو یا چند زبان قرار گیرد و فراگیری همزمان زبان یعنی رشد و تحول دو زبان قبل از سه سالگی رخ بدهد. مدت زمان و فشردگی در معرض زبان دیگری قرار گرفتن نیز از کودکی به کودک دیگر فرق می‌کند، به عنوان مثال بعضی از کودکان دو زبان را با فراوانی یکسان در خانه می‌شنوند و این با مدت زمانی که یک والد با یک زبان و والد دیگر به زبان دیگری صحبت می‌کند متفاوت است، یا کودک دیگر ممکن است با فراوانی کمتر یا در بافت محدودتری در معرض زبان دوم قرار بگیرد و این زمانی اتفاق می‌افتد که پرستار کودک زبان دوم را هنگام سرکار بودن والدین به کار می‌برد (معصومی، ۱۳۸۶). هرگاه کودک دارای فراگیری متوالی زبان یعنی فراگیری یک زبان بعد از سه سالگی است و کودک بعد

گفتار و زبان مانند سایر ابعاد وجودی انسان به یکباره ایجاد نمی‌شود بلکه در طی مراحل به تدریج ظاهر شده، رشد و تکامل می‌یابد. اگر چه رشد و تکامل گفتار و زبان در همه‌ی کودکان یکسان است ولی باید توجه داشت بین افراد مختلف در میزان رشد و تکامل، تعداد و کیفیت لغات و صحت تلفظ در هر سن تفاوت‌های زیادی وجود دارد و عوامل ایجاد کننده این تفاوت‌ها شرایط خاصی است که بر هر کدام حاکم می‌باشد. از جمله عواملی که می‌توانند در رشد گفتار و زبان نقش مؤثری داشته باشند عبارتند از: هوش، جنسیت، رشد فیزیکی و سلامت کودک، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، عوامل عاطفی، الگوی مناسب برای تقلید، انگیزش، اختلالات عضوی، محیط خانوادگی و دوزبانگی است. در این مقاله از مجموعه عوامل بالا، دوزبانگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (شفیعی، مهرعلیان ۱۳۸۲).

دوزبانگی چیست و دوزبانگی کیست؟

شواهد حاکی از این واقعیت است که دوزبانگی به عنوان یک پدیده در تمام کشورها وجود دارد.

است که علت تأخیر می‌تواند در معرض دو زبانگی بودن این کودکان باشد. اگر چه گاه شواهدی در حمایت از آن وجود ندارد.

نتایج مطالعاتی که بر روی تأثیر دو زبانگی بر رشد گفتار و زبان و مهارت‌های مربوط به آنها صورت گرفته است را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱. در مطالعاتی فرض بر این بوده که کودکان دو زبانه در مقایسه با کودکان تک زبانه در رشد مهارت‌های زبانی و شناختی مشکلاتی دارند و تماس زود هنگام با زبان دوم پیش از یادگیری کامل زبان اول، ممکن است به تأخیر زبان اول بیانجامد و همچنین کارایی و مهارت در زبان دوم ممکن است ناشی از تکامل نسبی در زبان اول باشد.

خاچاطوریان (۱۳۷۶) با به کارگیری روش توصیف تصاویر به بررسی و مقایسه توانش زبانی کودکان دو زبانه (ارمنی - فارسی) مقطع دوم ابتدایی در جنبه نحو زبان پرداخت. نتایج حاکی از کم بودن متوسط طول جمله و میانگین تعداد کل کلمات در گفتار دانش‌آموزان دو زبانه نسبت به تک زبانه‌ها بوده است. هم‌چنین ساخت نحوی دو زبانه‌ها در زبان فارسی ساده‌تر و جملات مرکب کمتری در آنها به کار رفته است. هم‌چنین توانایی‌های پایین‌تری در حیطه معنا شناختی در دانش‌آموزان دو زبانه دیده می‌شود (هوسپیان ۱۳۷۷).

۲. مطالعات دیگری نظرات بالا را تأیید نمی‌کنند و بالعکس بر تأثیرات مثبت دو زبانگی بر رشد گفتار و زبان صحنه می‌گذارند و نشان می‌دهند که دو زبانگی می‌تواند نتایج مثبتی بر روی ساختار فکری و انعطاف‌پذیری آن داشته باشد و کودکان دو زبانه نسبت به تک زبانه‌ها از درک بیشتری نسبت به جنبه‌های مفهومی کلمات برخوردارند (هوسپیان ۱۳۷۷). هم‌چنین دیده شده که بین دو زبانگی و رشد شناختی ارتباط بسیار قوی وجود

از ورود به کودکستان یا مدرسه در معرض زبان دوم قرار می‌گیرد. در این مقطع، همسالان و محیط آموزشی بیشترین اثر را در دو زبانه شدن کودکان دارند (اردکانی، ۱۳۸۳).

در ایران که دارای اقلیت‌های قومی مختلف با گونه‌های زبانی زیاد می‌باشد، شیوه غالب دو زبانه شدن از طریق آموزش رسمی است. مدرسه می‌تواند به عنوان اولین و مهم‌ترین متولی پرورش توانایی‌های زبانی چنین افرادی باشد (هوسپیان، ۱۳۷۷).

بنابراین آنچه گفته شد برخی کودکان، دو زبان را به خوبی یاد می‌گیرند اما برخی دیگر یک زبان را بهتر از زبان دیگر می‌دانند، زبانی که کودک بهتر با آن صحبت می‌کند «زبان برتر»^۳ نامیده می‌شود. زبان برتر در طول زمان ممکن است تغییر کند، خصوصاً اگر کودک از آن به طور منظم استفاده نکند، به عنوان مثال در خانواده‌ای مهاجر، زبان غالب در ابتدا زبانی است که در خانه کاربرد دارد ولی با ورود کودک به محیط آموزشی، زبان غالب تغییر می‌یابد، در این زمان، زبان اجتماع بزرگ‌تر، جایگزین زبان کودک در خانه می‌گردد و به عنوان زبان غالب وی عمل می‌کند (نادری فر، ۱۳۸۶).

دو زبانگی و اختلالات گفتار و زبان:

کالین بکر^۴ (۲۰۰۰) شیوع تأخیر در رشد گفتار و زبان را بین پنج تا بیست درصد تخمین زده است و دلیل اختلالات گفتار و زبان از جمله تأخیر در رشد گفتار و زبان را مواردی همچون آسیب دیدگی شنوایی، اتیسم، غیرطبیعی بودن شدید، فلج مغزی، شکاف کام و سایر مشکلات جسمی یا از هم گسیختگی‌های روانی، ذکر کرده است. ضمن اینکه برای نیمی از مراجعان علت شناخته شده‌ای وجود ندارد و در بین آنها بالا بودن تعداد کودکان دو زبانه موجب به وجود آمدن این باور شده

ترتیب و سرعت رشد در کودکان دو زبانه مشابه کودکان تک زبانه می‌باشد (بیالستوک^۱، ۲۰۰۱).

برفی کودکان،
دو زبان را به فوبی یاد می‌گیرند اما
برفی دیگر یک زبان را بهتر از زبان دیگر
می‌دانند، زبانی که کودک بهتر با آن صحبت
می‌کند «زبان برتر» نامیده می‌شود

به نظر گوران^۲، اولین زبان دارای ریشه عمیق در انسان است با این همه هستند کودکانی که در سنین زبان آموزی دو زبان را با هم یاد می‌گیرند و هیچ مشکلی نیز پیدا نمی‌کنند.

در مقایسه توانایی‌های زبانی کودکان نشانگان داوون دو زبانه و تک زبانه؛ نتایج شمای زبانی مشابه‌ای را در توانایی‌های زبانی کودکان دو زبانه و تک زبانه مبتلا به نشانگان داوون نشان داد و شاهدی بر زیانبار بودن دو زبانی وجود نداشت (معصومی، ۱۳۸۶). همچنین تقی‌زاده هوش کلامی و غیر کلامی کودکان در دو منطقه فارسی زبان و ترک زبان را با هم مقایسه نمود و تفاوت معنی‌داری بین دو گروه مشاهده نکرد و تنها اشکال جزئی کودکان ترک زبان در پیدا کردن معنی صحیح برخی اصطلاحات رایج فارسی بود. از نظر فهم معنا در یادگیری خواندن و نوشتن نیز این دو گروه از کودکان تفاوتی با هم نداشته‌اند (هوسپیان، ۱۳۷۷).

معایب و مزایای رویکردهای تک زبانه یا دو زبانه بودن:

انگیزه یادگیری زبان دوم و اینکه کودک با چه کسی یا چه زبانی صحبت می‌کند، کی صحبت می‌کند یا به چه میزان و اینکه چگونه به این درون دادها

دارد، دو زبانه‌ها در طبقه‌بندی اهداف خلاقیت، شکل‌گیری مفهوم، حافظه، آگاهی فرازبانی، ثبات درکی، حل مسئله، نقش‌پذیری، مفاهیم علمی، حساسیت اجتماعی و فهم دستورات پیچیده، برتری دارند (اردکانی، ۱۳۸۳).

یادگیری دو زبان به طور همزمان بر روی رشد زبان درکی، زبان اول (مادری) تأثیر سوء ندارد و حتی زمینه را برای عملکرد بالاتر زبان دوم، فراهم می‌کند (آمبل، پیرسون، فرناندز و اولر، ۱۹۹۲)^۳.

۳. دسته سوم مطالعات بیانگر این نکته هستند که دو زبانی نه شانس تأخیر و آسیب زبانی را افزایش و نه کاهش می‌دهد در همین ارتباط نیکولاس^۴ و جینیسی^۵ (۱۹۹۷) با مرور مطالعات سه فرض منطقی را در مورد تأثیر دو زبانه بودن در یادگیری زبان را مطرح نمودند:

- ۱) دو زبانی می‌تواند منجر به تأخیر زبانی شود.
- ۲) دو زبانی می‌تواند سبب رشد سریع زبان شود.
- ۳) دو زبانی هیچ تأثیری بر روی رشد زبان ندارد.

آنها به این نتیجه رسیدند که مراحل عمومی رشدی در کودکان دو زبانه و تک زبانه از لحاظ زمان رسیدن به یک سطح قابل مقایسه، مشابه می‌باشند، یعنی تولید اولین کلمات، رسیدن به اولین ۵۰ کلمه و شروع ترکیب کلمات تقریباً در زمان‌های مشابهی اتفاق می‌افتد و این اتفاقات زمانی به وجود می‌آید که دامنه واژگانی در دو زبان در حد قابل توصیفی هستند و به همین شکل می‌توانیم ترتیب و سن فراگیری شکل‌های مختلف نحوی را نیز با هم مقایسه نماییم. این نویسندگان خاطر نشان کردند که تعداد واژگان بیانی در هیچ کدام از زبان‌ها در کودکان دو زبانه کمتر از کودکان تک زبانه نبود. در خصوص مراحل عمومی رشد، آنها به این نتیجه رسیدند که توانایی‌های زبانی کودکان دو زبانه در مقایسه با توانایی‌های زبانی کودکان تک زبانه، نه به طور قابل توجهی تأخیر دارد و نه پیشرفته است. بنابراین

عکس‌العمل نشان می‌دهد، از جمله عواملی هستند که تعیین می‌کنند کودک به چه میزانی می‌تواند در یک محیط دو زبانه آن زبان‌ها را یاد بگیرد، با این حال دو رویکرد تک زبانه بودن یا دو زبانه بودن در ارتباط با رشد گفتار و زبان و مشکلات احتمالی به وجود آمده مطرح هستند.

در ایران که دارای اقلیت‌های قومی مختلف با گونه‌های زبانی زیاد می‌باشد، شیوه غالب دوزبانه شدن از طریق آموزش رسمی است. مدرسه می‌تواند به عنوان اولین و مهم‌ترین متولی پرورش توانایی‌های زبانی چندین افرادی باشد

رویکرد تک زبانه بودن برای کمک به رشد گفتار و زبان ظاهراً منطقی می‌رسد، این رویکرد بر این مبنا شکل گرفته است اگر یادگیری یک زبان مشکل است یادگیری بیش از یک زبان ممکن است مشکل‌تر باشد و بنابراین با تک زبانه شدن، یک بار اضافی را از دوش کودک برداشته و مشکلات کودکانی که دچار تأخیر هستند را حل یا کم می‌کند و دو زبانه بودن می‌تواند برای کودک مشکلاتی را فراهم کند زیرا زمانی که کودک در معرض زبان آموزشی قرار دارد و هنوز یک زبان به طور کامل در وی شکل نگرفته، مجبور است به زبان دوم بیندیشد و در آن واحد تفکرش را در دو قالب متفاوت قرار دهد و چون واژگان دو زبان نیز با یکدیگر متفاوتند، لذا کودک در استفاده از واژه‌ها دچار تعارض و تردید می‌شود و در نتیجه یا به صورت اشتباه از آنها استفاده می‌کند و یا برای اجتناب از عمل اشتباه اصلاً واژه‌ای را به زبان نمی‌آورد و مجموع این عوامل دست به دست یکدیگر داده و رشد گفتار و زبان و مهارت یافتن کودک در این زمینه را با مشکل مواجه می‌کند.

مشکل چنین کودکانی در ورود به مدرسه تشدید می‌شود زیرا آنها نه به زبان مادری خود تسلط کافی دارند و نه به زبان رایج در جامعه خود و به جای اینکه واقعاً دو زبانه باشند، بی زبان هستند. این کودکان در زمان ورود به مدرسه نه تنها مشکلات گفتاری بلکه اشکالاتی در خواندن و نوشتن نیز دارند، نسبت به کودکان دیگر از واژگان کمتری برخوردارند و تلفظ آنها نیز معمولاً مانند تلفظ استاندارد صداهای آن زبان نیستند. این نوع اختلال را نوعی معلولیت آموزشی-اجتماعی می‌دانند (شفیعی، مهرعلیان ۱۳۸۲).

اما به نظر می‌آید کودکان دو زبانه با حداقل تأخیر دو زبان را یاد می‌گیرند و الگوی رشد آنها در دو زبان، مطابق الگوی کاربرد در جامعه زبانی است و کودکان تک زبانه هم می‌توانند زبان دوم را یاد بگیرند و توالی رشد زبان دوم همانند توالی زبان اول است و باید بین اختلالات زبانی اولیه یعنی اختلالاتی که در زبان مادری فرد دو زبانه وجود دارد و اختلالات ثانویه یعنی اختلالاتی که تنها در زبان دوم خود را نشان می‌دهد، تمایز قائل شد. زیرا در کودک دو زبانه پایه‌ی اساسی رشد زبان همانند کودکانی است که فقط یک زبان را یاد می‌گیرند؛ البته، زمانی ممکن است قواعد دستوری را مخلوط کنند یا اینکه از کلمات دو زبان در جملات مشابه استفاده کنند (اختلاط زبانی) که این بخش طبیعی رشد دو زبانی، زبان است یا حتی ممکن است، زمانی که زبان دوم شروع می‌شود برخی از بچه‌ها مدت زیادی صحبت نکنند^{۱۰} که بعدها اصلاح می‌شود و کودک سیر طبیعی را طی می‌کند (نادری فر، ۱۳۸۶). این گروه معتقدند، دادن فرصت‌های زیاد برای شنیدن و تمرین کردن و استفاده از هر دو زبان در هر موقعیتی فرصت توسعه هر دو زبان را به کودک می‌دهد. بنابراین شیوه‌های یادگیری زبان دوم می‌تواند به عنوان عامل تعیین کننده‌ای

زبانها فقط در کودکانی که به درجات بالایی از دو زبانی رسیده‌اند برتری شناختی یا عدم وجود مشکلات گفتاری و زبانی مطرح است و برای کودکانی که از سطوح پایین‌تری از دو زبانی قرار دارند این برتری وجود ندارد. با توجه به این که هر حرکتی از دو زبانه بودن به تک زبانه بودن نباید به عنوان تنها راه حل مشکل انتخاب شود و با توجه به مطلب بیان شده، در بعضی موارد برای یک مدت کوتاه می‌توانیم تک زبانه بودن را برای کمک به فردی که دچار تأخیر در گفتار و زبان است، استفاده کنیم اما نباید شانس دو زبانه بودن را برای همیشه از کودک سلب کرد. آنچه مهم است، این که درمانگر باید این کودکان را حمایت نماید تا هر دو زبان را در حد توانایی خود بیاموزند (بکر، ۲۰۰۰).

بحث و نتیجه گیری :

مطالعات و مطالب بیان شده نشان می‌دهد دو زبانی به تنهایی نمی‌تواند عامل ایجاد مشکلات یا تأخیری در گفتار و زبان کودکان گردد، صحبت کردن با دو زبان مثل هر مهارت دیگر است و برای این که بچه دو زبان را خوب یاد بگیرد نیاز به تمرین زیاد و محیط غنی زبانی دارد، والدین در فراهم آوردن و تسریع آن می‌توانند کمک کنند. اگر چه نظر اغلب دانشمندان این است که هر چه سن کودک کمتر باشد فراگیری زبان دوم آسانتر می‌باشد و این به علت انعطاف پذیری فوق العاده ذهن کودک در سنین پایین است ولی اگر گفتار و زبان کودک متناسب با سنش رشد و توسعه نیافته و بنا به نظر ریکاردلی^{۱۲} باید سطوحی از مهارت زبانی در کودکان دو زبانه به دست آمده باشد تا دو زبانی روی شناخت او تأثیر منفی نگذارد، بهتر است که زبان دوم در حدود ۴-۶ سالگی آموزش داده شود تا مطمئن شویم که زبان

در توانایی‌های زبانی افراد دو زبانه در زبان دوم باشد می‌توان با کاهش محدودیت‌های تجربیات زبانی مانع بروز اختلالات زبانی در یادگیری زبان دوم شد. بنابراین این افراد با رویکرد دو زبانه بودن، معتقدند در تعداد زیادی از موارد دیده شده است که تغییر از دو زبانی به تک زبانی، تأثیری در حل مشکلات نداشته، بلکه در عوض تغییر ناگهانی در رویکرد زبانی خانواده، مشکل را بهتر کرده است.

کودکی که تا به حال (در تعامل با اطرافیان و مراقبت کننده‌ها) تنها با یک زبان از او مراقبت شده یا مورد محبت قرار گرفته، ناگهان با زبان دیگری برای ارتباط با وی استفاده گردد و ممکن است باعث لطمه دیدن احساسات کودک شود، به قول هوور^{۱۱} (۱۹۹۹) محیط دو زبانه اغلب یک اجبار است نه انتخاب و محدود کردن درون داد زبانی به یک زبان بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه اقلیت، در جامعه‌ای که تنوع زبانی فراوانی وجود دارد می‌تواند نتایج منفی را در کودکان و والدین به وجود آورد و می‌تواند کودکان را در محیط خانوادگی محدود کند و الگوهای تعاملی بین والدین و کودک را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال برخی از آسیب شناسان گفتار و زبان برای کمک بیشتر به کودکان، زبان اول را با آنها کار می‌کنند.

در مورد کودکانی که اصلاً گفتار ندارند زبانی که والدینشان با آنها صحبت می‌کنند را انتخاب می‌کنند. بعد از پیشرفت کودک در اولین زبان، به دلیل اینکه مهارت‌های زبانی کسب شده، از اولین زبان برای برچسب زدن بر روی چیزها، استفاده از افعال و ... استفاده شده، سپس این مهارت به زبان دوم منتقل می‌شود و از دوباره کاری در ارتباط با زبان دومی که در مدرسه به کودک آموزش داده می‌شود جلوگیری می‌گردد. نظر این درمان‌گران این است که در دو

تا حدودی دچار مشکل کند اما به تنهایی به عنوان یک عامل مستقل در ایجاد اختلال گفتار و زبان در کودکان عادی نقش ندارد. انتخاب رویکرد تک زبانه برای یک مدت کوتاه بدون سلب شانس دو زبانه بودن می تواند مشکلات این کودکان را تا حدودی کاهش دهد. ضمن آنکه با تقویت زبان قوی تر می توانیم اثرات درمانی را به زبان دیگر هم انتقال داد.

اول در حد کفایت در کودک شکل گرفته است و این رویکردی است که با توجه به تجربه کاریم و نتایج کسب شده در اغلب موارد انتخاب می کنم. بنابراین اگر کودکی بنا به دلایلی همچون ناشنوایی، عقب ماندگی ذهنی، فقر محیطی یا عوامل ناشناخته و ... دچار تأخیر و مشکلاتی در رشد گفتار و زبان باشد، دو زبانی در کنار سایر عوامل می تواند رشد و توسعه گفتار و زبان را

زیر نویس ها :

1. Grosjean
2. Raysb
3. Dominant language
4. Colin Bakers
5. Umbel., Pearson, Fernandz & Oller
6. Nikoladis
7. Jenici
8. Bialistok
9. Goren
10. Silent period
11. Hover
12. Ricciardlli

منابع :

- شفیعی، بیژن. مهر علیان، زهره. (۱۳۸۲). *اختلال ناروایی گفتار در کودکان*. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- کمالی، محمد. (۱۳۷۹). *روش تحقیق*. جزوه چاپ نشده دانشکده توانبخشی علوم پزشکی ایران.
- هوسپیان، آلیس. (۱۳۷۸). "مقایسه توانایی های معنی شناختی دانش آموزان تک زبانه و دو زبانه در پایه های دوم و پنجم دبستان". برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشکده توانبخشی علوم پزشکی ایران.
- خاجاطوریان، آرمینه. (۱۳۷۷). "بررسی و مقایسه ویژگی های نحوی گفتار دانش آموزان دو زبانه و تک زبانه مقطع ابتدایی" برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- معصومی، جعفر. (۱۳۸۶). *توانایی های زبانی در کودکان دو زبانه ی نشانگان داون*، مرکز آموزشی و توانبخشی آتیه. تهران.
- نادری فر، احسان. (۱۳۸۶). "کودکان و دو زبانی"، مرکز آموزشی و توانبخشی آتیه. تهران.
- نادری فر، احسان. (۱۳۸۶). "لکنت و دو زبانی"، مرکز آموزشی و توانبخشی آتیه. تهران.
- اون، رابرت. (۱۳۸۳). *رشد و تحول زبان، ترجمه عباس دهستانی اردکانی*. پایان نامه کارشناسی، دانشکده توانبخشی علوم پزشکی ایران.

Baker, Colin (2000), *The Care and Education of young Bilinguals*. Available at : www.atiye-rehabilitation.blogfa.com